

یادداشتی از مهدی بیرانوند روزمان:

بدرودآلن، آقای خاص سینمای فرانسه

مهدی بیرانوند روزمان - ماه اوت به نیمه رسید و خبری تلخ را برای دوستداران سینما و دنیای فیلم باخود آورد. عاشقان سینمای فرانسه و فیلم های پلیسی و اکشنی که با فضای مافیای و هراس انگیز درآمیخته در ۱۸ اوت با خبر اسطوره سینمای فرانسه؛ آلن دلون؛ روبرو شدند. بازیگری که در ایران با صدای خاص خسرو خسروشاهی شناخته شده و دوستداران سینما را با آن تیپیکال خاص خود مجذوب دنیای تصویر می کرد. حالا دیگر سینمای فرانسه رنگی ندارد.

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، ماه اوت به نیمه رسید و خبری تلخ را برای دوستداران سینما و دنیای فیلم باخود آورد. عاشقان سینمای فرانسه و فیلم های پلیسی و اکشنی که با فضای مافیای و هراس انگیز درآمیخته در ۱۸ اوت با خبر اسطوره سینمای فرانسه " آلن دلون " روبرو شدند. بازیگری که در ایران با صدای خاص خسرو خسروشاهی شناخته شده و دوستداران سینما را با آن تیپیکال خاص خود مجذوب دنیای تصویر می کرد. حالا دیگر سینمای فرانسه رنگی ندارد.

آلن دلون یکی از شناخته شده ترین چهره های سینمای فرانسه است، بازیگری که در طول بیش از نیم قرن فعالیت هنری با بسیاری از برجسته ترین کارگردانان جهان کار کرده و میراثی قابل توجه و ماندگار از خود در عرصه بازیگری به جای گذاشته است.

موفقیت قابل توجه دلون در عرصه بازیگری و تجارت در تضاد کامل با گذشته متفاوت او قرار دارد. آلن دلون در ۸ نوامبر ۱۹۳۵ در روستای سو (Sceaux) در جنوب پاریس، فرانسه به دنیا آمد. پدرش مدیر یک سینمای محلی کوچک و مادرش نیز در یک داروخانه کار می کرد.

آلن ۴ ساله بود که پدر و مادرش از هم جدا شده و او به خانواده ای دیگر سپرده شد. او در خانه ای که در کنار یک زندان قرار داشت بزرگ شده و پدر خوانده اش نگهبان همین زندان بود.

دلون در سال ۱۹۸۵ جایزه سزار بهترین بازیگر مرد را برای بازی در فیلم داستان ما (۱۹۸۴) دریافت کرد. او در سال ۱۹۹۱ نشان لژیون دونور فرانسه را دریافت کرد. او در چهل و پنجمین جشنواره بین المللی فیلم برلین برنده خرس طلایی افتخاری شد. همچنین در جشنواره فیلم کن ۲۰۱۹ جایزه نخل طلای افتخاری را دریافت کرد. آلن در ۱۹۵۶ از خدمت در ارتش ترخیص شد و به عنوان برابری و سپس به عنوان پیش خدمت در کافه های مختلف پاریس به کار پرداخت و بین روسپی ها و گانگسترها زندگی می کرد. او درآمد ثابتی نداشت و مستقل از خانواده زندگی می کرد. طی همین مدت، با بسیاری از بازیگران که در کافه های محل کارش رفت و آمد داشتند آشنا شد. یکی از آن بازیگران، ژان-کلود بریالی بود. کسانی که درباره زندگی او تحقیق کرده اند می گویند که او با دنیای زیرزمینی جنایتکاران در ارتباط بوده و مدتی هم با آنها زندگی می کرد. این دو دوست، یعنی دلون و بریالی در سال ۱۹۵۷ تصمیم گرفتند با هم به جشنواره فیلم کن بروند. این تصمیم، زندگی آلن را برای همیشه تغییر داد. آلن که یک آدم معمولی بود و هیچ گونه تجربه بازیگری نداشت و آن شب هم با یک دست لباس کرایه ای به جشنواره رفته بود پس از بازگشت از جشنواره به یک فوق ستاره تبدیل شد. چهره فوق العاده جذاب او در آن مجلس کاملاً سرآمد همگان بود و در آنجا بود که کارگردانان مختلف به سراغ او آمدند و بیشتر در نقش دزد یا آدمکش اجیر شده بازی می کرد.

دلون در دهه ۱۹۶۰ ستاره سینمای اروپا بود. او در دهه ۱۹۷۰ علاوه بر بازی در فیلم، دومین شرکت تولید فیلم خود را تأسیس کرد و به جمع آوری ثروت پرداخت. او در آن هنگام یکی از ثروتمندان جهان بود و فیلم هایی با نشان واره AD تهیه می کرد. او سپس یک شرکت هواپیمایی راه اندازی کرد و بخشی از ثروت خود را در زمینه مورد علاقه خود یعنی جمع آوری آثار هنری و پرورش اسب های مسابقه، سرمایه گذاری کرد. گنجینه شخصی او کم نظیر است. او صاحب عتیقه هایی است که بسیاری از آنها در موزه ها به نمایش گذاشته شده اند. او در دهه ۱۹۸۰ به سوئیس نقل مکان کرد تا بر عملکرد شرکتی که محصولاتش را به نام «آلن دلون» به فروش می رساند نظارت بهتری داشته باشد. دفتر این شرکت در شهر ژنو است.

کناره گیری و بازنشستگی

آلن در سال ۱۹۹۸ در فیلم نیمه شانس در کنار ژان-پل بلوندو بازی کرد و سپس اعلام بازنشستگی کرد و گفت: «من در بیشتر فیلم هایی که بازی کرده ام یا دزد بوده ام یا پلیس، اما جالب این است که فرقی نمی کرده است که چه کاره بوده ام؛ در همه فیلم ها تنها بوده ام. نمی دانم، اما فکر می کنم کارگردان ها و حتی تماشاگران همیشه دوست دارند مرا تنها ببینند».

افسانه دلون

در دهه ۱۹۸۰، دلون به کارگردانی فیلم های خودش روی آورد و دو فیلم پلیسی با حضور خود در نقش اصلی ساخت: «برای پنهان کردن یک پلیس» (Pour la peau d'un flic) در سال ۱۹۸۱ و «Le Battant» در سال ۱۹۸۳. در سال های پس از آن بسیاری از فیلم های دلون با شکست مواجه شدند از جمله بازی او در کنار لوران باکال در فیلم «روز و شب» (Le Jour et la Nuit) به کارگردانی برنارد-هنری لوی، فیلسوف مشهور، که شکست سختی در گیشه خورد.

بعد از شکست غیرمنتظره «نیمه شانس» (Une chance sur deux) به کارگردانی پاتریس لاکونته، دلون تصمیم گرفت که شکست را بپذیرد و تصمیم

خود برای کناره‌گیری از بازیگری را اعلام کرد اگر چه از آن پس حضورهایی بسیار کوتاه در چندین فیلم داشت.

دلون در سال ۲۰۰۲ با حضور در سریال فرانسوی پرطرفدار «فابیو مونتاله» (Fabio Montale) بازگشتی حیرت‌انگیز داشت و در دو سال آینده موفقیت مشابهی را با سریال پلیسی «فرانک ریوا» (Frank Riva) تجربه کرد.

در سال ۲۰۰۵، نشان شوالیه (لژیون دونور) توسط ژاک شیراک، رئیس جمهور وقت فرانسه، به دلون داده شد.

آلن دلون در کمدی «آستریکس در مسابقات المپیک» (Astérix aux Jeux Olympiques) در سال ۲۰۰۸ و در نقش جولوس سزار به سینمای فرانسه بازگشت که اگر چه مورد انتقاد صاحب‌نظران قرار گرفت با استقبال تماشاگران مواجه گردید.